

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم





جلسه سوم

مدیریت ارتباطات انسانی

مدیریت ارتباطات انسانی

وقتی یک دانشجو وارد دانشگاه می شود به یک فضای جدیدی برخورد می کند، اکثراً دانشجویان با مشکل اساسی که در ترم اول دارند این است که با شور و هیجان وارد دانشگاه می شوند ولی در همان ماه های اول ناامید می شوند زیرا التهاب بیش از حدی که کنکور و رقابت برای ورود به دانشگاه به او وارد کرده است و از طرفی انتظاراتی که دانشجو از دانشگاه در ذهن خود دارد او را سردرگم می کند.

با ورود به دانشگاه با تفاوت هایی روبرو می شود، طبیعی است که در ترم اول دچار یک بحران و یک افت تحصیلی شوند، بخشی از آن به بحث مدیریت ارتباطات انسانی مربوط است.

۱- باید دانشگاه را بشناسیم

۲- محیط دانشگاه با محیط دبیرستان متفاوت است.

۳- ارتباط با استادها با ارتباط با معلم ها فرق دارد حتی ارتباط هم کلاسی ها نیز با هم تفاوت دارد

۴- ارتباط با کارمندان دانشگاه متفاوت است.

اگر بتوانیم فضای دانشگاه را بشناسیم این مشکل روحی حل خواهد شد؛ علی الخصوص برای دانشجویانی که از شهرستان ها می آیند و با یک محیطی که فرهنگ جدیدی دارد روبرو می شود.



دانشجویان باید مراقب باشند که در این فضای ارتباطی منفعل و یا تقابلی برخورد نکنند و یا منزوی شوند.

منفعل به این معناست که:

شما آنچه محیط می‌پسندد را همان‌طور عمل کنید و هیچ تعقلی روی آن نداشته باشید.

انزوا به این معناست که:

از محیط کناره‌گیری یا قطع ارتباط کرده و هیچ ارتباطی با محیط برقرار نکنید.

برخورد تقابلی به این معناست که:

علیه آنچه در محیط می‌بینید از خود واکنش نشان دهید.

هر ۳ روش، نادرست است، بلکه ما باید یک برخورد فعال با محیط داشته باشیم، یک هاضمه فرهنگی قوی داشته باشیم و رفتارهای جدید فرهنگی را که می‌بینیم، آن‌هایی که از نظر عقلی برای ما مباح است، سعی کنیم در خود ایجاد کنیم و آن‌هایی که با عقلانیت ما سازگار نیست، برای آن‌ها شیوه خاصی را پیدا کنیم و رفتار تقابلی با آن‌ها انجام ندهیم لذا در چند ماه آغازین باید زیرکانه عمل کنیم. و در تعاملات ارتباطی خود زود تصمیم بگیریم.

طبیعتاً اولین تعاملی که یک دانشجو در دانشگاه دارد ارتباط با دیگران است.

اگر با دانشجویانی که در سال‌های بالاتر هستند ارتباط برقرار کنید ناخودآگاه در مسیر آنان



قرار می‌گیرید لذا باید با دانشجویانی در ارتباط باشید که از لحاظ چارچوب‌های فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی، علمی منضبط باشند. و چهره‌های وجیهی داشته باشند و افراد متعادلی باشند.

در واقع کم‌کم تمام ارتباط‌های قبلی منقطع و روابط جدیدی صورت می‌گیرد و تفاوت آن با دوران دانش‌آموزی در این است که در اینجا می‌توانید عاقلانه هم‌کلاسی خود را انتخاب کنید.

در برخورد با اساتید، برخوردهای روز اول شخصیت و جایگاه شما را در ذهن اساتید مشخص می‌کند.

خاطراتی که روز اول از شما در دانشگاه ثبت می‌شود هویت شما را شکل می‌دهد.

شرایط لازم برای حضور در کلاس:

به‌روز بودن مطالب، پیش مطالعه، با آمادگی حضور پیدا کردن، از قبل مرور کردن درس کلاس.

اساتید تفاوت عمده‌ای با معلم‌ها دارند و آن، این است که معلم درس کلاس را به دانش‌آموز، آموزش می‌دهد.

معلم مانند استخری است که آب آن در اختیار شماست و استاد مانند چاهی است که باید آب آن را بکشید و موضوعات را راحت در اختیار شما قرار نمی‌دهد.

اساتید از نظر علمی قوی‌تر از معلم‌ها هستند اما دانشجو باید جوینده دانش باشد و علم در اختیار دانشجویی قرار می‌گیرد که خود جوشش داشته باشد.



سبک زندگی دانشجویی

لذا سؤال کردن و تعاملات با استاد باعث موفقیت شما می شود.

۷۰ درصد شخصیت شما همان چهره‌ای است که در روزهای اول از شما در ذهن اساتید و کارکنان دانشگاه شکل گرفته است. لذا باید مراقب ظاهر شدن خود در دانشگاه علی‌الخصوص در ترم‌های اول باشید.

در ارتباط با اساتید:

دختران: زمانی که با اساتید مرد روبرو می‌شوید باید چارچوب‌های فرهنگی را رعایت کنند در غیر این صورت در آینده دچار مشکلات روحی و فکری می‌شوید.

پس بهتر است برای مراجعه به استاد به صورت دسته‌جمعی ظاهر شوید. همچنین بهتر است بر روی یک استاد تمرکز نکنید و رفت آمد خود را به دفتر استاد کمتر کنید.

همچنین ارتباط با کارکنان و کارمندان دانشگاه:

اتفاقاً ارتباط با آن‌ها در مواقعی که دچار مشکل می‌شوید، سودمند است بخصوص اگر ارتباطات، سازنده باشند.

مدیریت دانشگاه‌ها از کسانی هستند که به جز جنبه‌های علمی، جنبه‌های تعاملی نیز دارند. با یکسری برخوردهای شیرین بسیاری از مشکلاتی که بعداً ممکن است برای شما پیش بیاید را به شما گوشزد می‌کنند و در بسیاری از پیچ و خم‌های اداری کمک شما خواهند کرد.

دانشجویان مطابق با علایق و سلايق خود می‌توانند با مسئولان مربوطه در دانشگاه تعاملات خوبی برقرار کنند.